



رضا صادقی: پیشنهادهای قبلی ای که برای اجرا داشتم، احساس می‌کردم خیلی رضا صادقی محور است؛ یعنی یک رضا صادقی باید آن وسط قرار بگیرد و بقیه اتفاقات حول و حوش او رخ دهد. این نوع در مرکز بودن زیاد برایم جذاب نیست، این که یک چهره محور کار باشد و بود و نبود بقیه عناصر علی السویه باشد. برای همین ردشان کردم

گفت و گو با رضا صادقی
پدیده مجریان برنامه های سال تحویل تلویزیون

مجری شدم تا حال مردم را خوب کنم



محمد وفایی
خبرنگار

این طور که پیداست، قصد ادامه دادن اجرا را ندارید؟

بله، بعد از فیلم «بی خدا حافظی» هم یک بار صحبت بازی شد، گفتم من یک مهمانی خوب آمدم و این مهمانی خوب را با خاطره خوش با خودم می برم. دیگر میزبانی اش نمی‌کنم. شاید در آینده در بخش خصوصی برنامه ای داشته باشم که آنجا هم یک گفت و گوی خودمانی باشد، نه این که مجری یک تاک شو باشم. در این برنامه هم دوست داشتم صحبتم با هنرمندی که مهمان برنامه است مثل همیشه نباشد. چه می‌خوری، کجا رفتی، عید را چطور می‌گذرانی، کودکی ات چطور بوده و... سعی کردم حرف‌های جذاب، دلنشین و خودمانی تر بزنم. هنرمندان فرصت ندارند و گرنه دوست دارند به مردم بگویند که ما هم مثل شما زندگی معمولی ای داریم.

گفت و گو با کدام یک از مهمانان برنامه «نوروزترین نوروز» را بیشتر دوست داشتید؟

همه مهمانان را خیلی دوست داشتم ولی از گفت و گو با محمدرضا هدایتی، محمدرضا علیمردانی و محمد معتمدی بیشتر لذت بردم. گفت و گو با علی اوجی و نرگس محمدی هم برایم جذاب بود چون گفت و گو داشت خانوادگی می‌شد و حیف شد زمان کمی داشتیم.

تعدادی از فعالان اجتماعی و نیکوکاران هم مهمان «نوروزترین نوروز» شدند. این تجربه را چطور دیدید؟

راستش را بخواهید یکی از مشکلاتم با دوستان همین بود. یعنی من می‌گفتم دوست ندارم از آدم‌ها اطلاعات بگیریم. اگر یک خیر به برنامه می‌آید، ما باید کاری کنیم که بیننده برود جست و جو کند که این آدم چه کارهایی کرده. یعنی من بیشتر باید از این که این آدم چه کسی است و از معمولی بودن و عادی بودن او صحبت کنم. بعد مردم بروند کارهای غیرمعمولش را ببینند. به نظرم مردم نسبت به این چیزها نوعی دافعه دارند که یک نفر را بیاوری، بگویی تو خیلی خوبی، تو خیلی کارت درست است، دمت گرم و...

چند سالی است که حضور بازیگران به عنوان مجری برنامه های تلویزیونی به یک روند و رویه ثابت تبدیل شده و دیگر حتی از حواشی ای که در آغاز این اتفاق رخ داده بود، خبری نیست. به نظر می‌رسد عملکرد قابل توجه بیشتر بازیگرانی که وارد عرصه اجرا شدند، باعث شده این موضوع پذیرفته شود اما درباره خوانندگان و اهالی موسیقی هنوز این اتفاق نیفتاده و تجربه های انگشت شماری که خواننده ها در زمینه اجرا داشته اند، نیاز به چکش کاری بیشتری دارد. یکی از این تجربیات که به اذعان کارشناسان و بینندگان تلویزیون قابل قبول بود، حضور رضا صادقی به عنوان مجری برنامه «نوروزترین نوروز» در شب های آخر سال ۱۳۹۹ و روز تحویل سال ۱۴۰۰ بود. این خواننده و آهنگساز صاحب نام در این برنامه حضور گرمی داشت و به نظر می‌رسد توانست رضایت مخاطبان شبکه پنج را برآورده کند. با او درباره این تجربه تازه صحبت کردیم و البته گفت و گوی مان به جاهای دیگری هم کشیده شد.

شما، چون از جهان شما اطلاعی ندارم، باعث برهم زدن تعادل شما شوم. در نتیجه اجازه بدهید در برخی بخش ها خط و خطایم را خودم داشته باشم و خدای نکرده به گردن شما نیفتد. محبت کردند و پذیرفتند و خیلی مرا راهنمایی کردند. همه داشتند به من انرژی می‌دادند و دست همه شان را می‌بوسم. طوری همه چیز را برایم سهل و روان کردند که حتی در حد یک ثانیه هم اضطراب نداشتم و کاملاً حس می‌کردم در خانه خودم نشسته ام. بچه های دکور هم خیلی به من لطف داشتند؛ چون صحنه دو تا پله داشت و شب اول که دیدند من از این پله ها سخت بالا می‌روم، برایم یک رمپ قابل انتقال درست کردند؛ یعنی وقتی می‌خواستم پایین بروم رمپ را می‌گذاشتند، می‌رفتم دوباره برمی‌داشتند. این کار وظیفه شان نبود و با قلب شان انجام دادند.

نگران واکنش منفی بقیه مجریان تلویزیون نبودید؟

صد اوسیمما مجریان بسیار قدرتمندی دارد و چه دو همکارم در «نوروزترین نوروز» و چه بقیه مجریان مانند احسان علیخانی، علی ضیاء و... در حدی کار می‌کنند که من اصلاً به خودم اجازه نمی‌دهم بگویم در جایگاه اجرا وارد شده ام. چون بیشتر مجریان دوستم بودند، می‌دانستم که اتفاق بدی نمی‌افتد و آنها هم می‌دانند که رضا به چیزی که خدا به او داده، راضی و قانع است و نیازی ندارد مثلاً جایگاهی در عرصه اجرا کسب کند.

قبل از شروع برنامه هم گفتم نه اما شد دیگر.
روز اول اجرا برایتان چطور بود؟ از همان نخستین برنامه با بقیه هماهنگ بودید؟

آن قدر بچه ها هوایم را داشتند که اصلاً احساس نکردم اتفاق عجیب و غریب و سختی است. این ربطی به توانایی من نداشت و به دلیل همراهی دیگران با من بود. از نگاه تصویربردارها، سردبیر و همراهی کارگردان و... همه داشتند این حمایت را از من انجام می‌دادند. چیز دیگری که باعث ساده تر شدن ماجرا شد، این بود که من آنجا مجری نبودم و خودم بودم. در نتیجه کار سختی نبود. همان طور که بعضی ها پرسیدند بازی در فیلم سینمایی سخت نبود؟ گفتم من فیلم بازی نکردم، خودم بودم و نقش خودم را بازی کردم. این برایم مهم است که هر جایی قرار بگیرم، ادای کسی را در نیارم و خودم باشم. این باعث شده کمتر اذیت شوم.

در بعضی از بخش های برنامه تنها اجرا می‌کردید و در تعدادی از بخش ها همراه با دو مجری دیگر. این شیوه از قبل طراحی شده بود؟

وحید رونقی و محیا اسناوندی به من لطف داشتند و من از آنها خواسته بودم که این اتفاق بیفتد. گفتم فن کار شما را بلد نیستم و ممکن است گفت و گوی من در حضور

شما پیش از این هم پیشنهاد اجرای تلویزیونی داشته اید ولی تاکنون قبول نکرده بودید. چرا پیشنهاد های قبلی را رد کردید اما این پیشنهاد را پذیرفتید؟

پیشنهاد های قبلی ای که داشتم، احساس می‌کردم خیلی رضا صادقی محور است؛ یعنی یک رضا صادقی باید آن وسط قرار بگیرد و بقیه اتفاقات حول و حوش او رخ دهد. این نوع در مرکز بودن زیاد برایم جذاب نیست، این که یک چهره، محور کار باشد و بود و نبود بقیه عناصر علی السویه باشد. من عموماً آدمی هستم که دوست دارم کار تیمی کنم. وقتی برای اجرای برنامه «نوروزترین نوروز» با کارگردان و تهیه کننده برنامه صحبت کردیم، حرف از کار گروهی بود و این که همه قرار است در کنار هم یک اتفاق خوب پیش بیاورند؛ ضمن این که اصلاً ابتدا قرار بود به عنوان مهمان برنامه حضور داشته باشم اما بعد بحث اجرا پیش آمد. احساس کردم رضا صادقی ای که روزی فیلم سینمایی بازی کرد، روزی تنظیم کرد، روزی آهنگسازی کرد و... چرا این تجربه را به خودش اضافه نکند و خودش را در اجرا محک نزند؟

چطور شد از مهمان برنامه به مجری برنامه تبدیل شدید؟

من نمی‌خواستم در برنامه عید حضور داشته باشم، چون تصمیم داشتم مثل هر سال در کنار خانواده ام باشم. دوستان خیلی لطف داشتند و گفتند یک سال حال مردم خوب نبوده و تو هم مدت زیادی است که در تلویزیون حضور نداشتی، شاید باعث شوی برای چند لحظه حال بیننده ها بهتر شود. به دیده منت و با کمال افتخار پذیرفتم و مردم هم لطف کردند و دیدند. صحبت اجرا بود ولی خیلی جدی نبود و شک داشتم چه تصمیمی بگیرم. آخرین لحظه